

سر مقاله: فلسفه دین و چند نکته

۱. دیرزمانی است که انسان در باب دین به روش فلسفی تامل می کند. مجموعه این تامل ها و پژوهشها اکنون "فلسفه دین" نامیده می شود. عبارت کوتاه "تامل فلسفی درباره دین" قدر جامع همه تعریف هایی است که از "فلسفه دین" به دست داده شده است. همین عبارت کوتاه فصل ممیز فلسفه دین از دیگر گرایش ها و شاخه های فلسفه است. نگاهی گذرا به صحنه کار و تلاش فلسفی در دوره معاصر نشان می دهد که پژوهش و تامل فلسفی در باب دین حجم بسیاری از مطالعات فیلسوفان در روزگار ما را شکل می دهد. اقبال فیلسوفان و دانشمندان به قلمرو مطالعات دینی علت های مختلف دارد. یکی از آنها شاید مهمترینش در قرن بیستم مبارزه منفی بی امانی بود که در دودمه پوزیتیویست های منطقی علیه دین و باورهای آن کردند. پوزیتیویست ها به اهداف معرفت شناختی وهستی شناختی خود که می توانست اشکارا دلالت های سیاسی اجتماعی داشته باشد صورت منطقی و علمی می دادند و همین امر کار آنها را از کارچپ ها و مارکسیست ها متمایز می کرد. اگرچه از نیمه دوم قرن بیستم به این سو نحله پوزیتیویزم منطقی اسب مرده ای بود که دیگر نباید به آن لگد زد با این حال مقابله با دین (خواه در چهره علمی و خواه در چهره اجتماعی - سیاسی) بصیرت هایی پیش پای بشر نهاد که همواره باید آنها را در مطالعات و پژوهش های خود در باره دین در نظر داشته باشد. نتیجه این مطالعات و آموزشها هر چه باشد، سلبی یا ایجابی، نشان می دهد که دین در عصر ما پدیده بسیار مهمی است.

۲. پژوهش های فلسفی در باب دین پس از انقلاب اسلامی به ویژه در دودمه اخیر رشد چشمگیری در ایران داشته است. انبوه کتابهایی که در باب فلسفه دین ترجمه شده، رساله ها و پایان نامه هایی که نگاشته شده، رشته - گرایشهایی که در گروه های علمی دانشگاه ها و حوزه های علمیه تاسیس شده، شاهد این ادعا است. کارهای بسیاری پس از انقلاب زیر عنوان "فلسفه دین"، "کلام جدید" و یا عناوینی از این دست صورت گرفته است. این کارها در دو قلمرو و شاید بتوانم بگویم "زیست بوم" صورت گرفته است. یکی زیست بوم حوزه علمیه و دانشگاه و دیگری زیست بوم روشنفکری. ربط و نسبت این دوبا یکدیگر، اثر گذاری و اثر پذیری آنها از همدیگر، مقوله ای است که باید در فرصت دیگری به آن پرداخت. ارزیابی نگارنده از مجموعه این کارها منفی نیست اما نمی توان بدون آسیب شناسی و ارزیابی انتقادی از کنار آنها گذشت. جریان روشنفکری در ایران به صورت عام رسالت اصلی اش انتقال فکراست. طبیعی است که جریان روشنفکری باید رسالت خود را به درستی انجام دهد. هنوز در قلمرو مطالعات دینی افکار و اندیشه فیلسوفان عصر جدید در غرب تمام و کمال به ایران منتقل نشده و هضم نشده بود، در میانه راه و با شتاب عده ای در دام این گمان افتادند که زمان نتیجه گیری فرا رسیده است غافل از اینکه افزودن قید "دینی" به روشنفکری و خلق اصطلاح "روشنفکری دینی" و اخیرا اصطلاح "نواندیشی دینی" نمی تواند کاری از پیش برد. کار کسانی که در دام این گمان باطل افتادند دو کاستی بزرگ داشت. نخست اینکه هنوز زمان نتیجه گیری فرا نرسیده بود به این دلیل که همه مطالب منتقل نشده بود و از آن مهمترین هضم نشده بود. دوم اینکه حتا با فرض انتقال اندیشه های فیلسوفان دین غربی، کسانی که تلاش کردند ترکیبی زیر نام "روشنفکری دینی" پدید آورند، با قطع نظر از انگیزه ها، شرایط این ترکیب را نداشتند. آنها برای چنین ترکیبی علاوه بر فهم و هضم آراء و نظار فیلسوفان دین غربی باید مطالعات دین شناختی دقیق و عمیقی در سنت مطالعات فلسفی و کلامی خود می داشتند که مع الاسف نداشتند. چنین نقص هایی چنان وضع و حال مطالعات مربوط به دین را در ایران آشفته و شلخته کرد که به رغم گذشت زمان هنوز هم نتوانسته است در مسیر درستی قرار گیرد.

با وجود همه کاستی ها در آنچه رخ داده است باید به دیده دقت نگریست و با رفع کاستی ها مطالعات فلسفی مربوط به دین را بسط و توسعه داد. اکنون در صدد ارزیابی پژوهشهای صورت گرفته نیستیم، اما امید داریم که این مطالعات بتواند درک دینی جامعه علمی ما را از پدیده بسیار پیچیده و عمیق دین بسط و توسعه دهد.

۳. حقیقت این است که جامعه بشری هر چه بیشتر و بیشتر پیش می رود و مرزهای دانش را - به تعبیر امروز - درمی نوردد باز هم به آموزه های دینی و تامل عمیق و دقیق در باب آنها نیاز دارد. پدیده کرونا شاهدهی غیر قابل انکار است. کرونا ذهن متفکران را به ویژه فیلسوفان را از جنبه های مختلف متوجه آموزه های دینی کرد. نظام های الهیاتی و فلسفی مختلف داشته های خود را در برابر پرسشهایی که کرونا برای ذهنها پدید آورد به میدان آوردند. از باب نمونه به رویارویی الهیات توحیدی و الهیات لیبرال در ایران توجه کنید. بحث هایی چون مسئله "شر"، "حضور همه جایی خدا"، "عدل الهی"، "قدرت خداوند"، "دخالت خداوند

درجهان"، "مسئله مرگ"، "حیات پس از مرگ"، "تجربه های نزدیک به مرگ"، "نقش دعا و ارتباط انسان با خدا در رفع دشواریهای انسان" و ده ها مسئله دیگر از این دست دوباره در کانون توجه فیلسوفان و الهیدانان قرار گرفت. هنوز زود است که بخواهیم نتایج مطالعات فلسفی و الهیاتی پس از کرونا را ارزیابی کنیم و نشان دهیم که پیشرفتی نسبت به گذشته رخ داده است یا نه، اما همین مقدار که بشر در عصر غرور "انفجار آگاهی" و به میان آمدن پای "هوش مصنوعی قوی" با زهم احساس نیاز به دین و تامل در باب آموزه های آن می کند نتیجه بسیار مهمی است. می توانیم بگوییم سمت و سوی مسایل فلسفه دین و الهیات ممکن است پس از کرونا تغییر کرده باشد اما هنوز طبقه بندی و ارزیابی دقیقی از بحث هایی که در این قلمرو صورت گرفته در اختیار نداریم. به عبارت دیگر هنوز صورت بندی دقیق و نظام مندی از این مطالعات در اختیار نداریم. شک نیست که ارزیابی انتقادی این مطالعات امری ضروری است. برای چنین کاری اندیشمندان و متفکران حوزه دانشگاه باید دامن همت به کمر زنند و ایده ها و پژوهش های نو خود در مجله های علمی پژوهشی پیش چشم اهل نظر بگذارند و به سنجه نقد و نظر بسپارند.

۴. ارزش علمی مقاله در محافل علمی بیش از کتاب و صورت های دیگر پژوهش در نظر گرفته می شود. این کار به این دلیل درست است که مقاله اگر مطابق با معیارهای پژوهشی نوشته شده باشد باید به پرسش معینی پاسخ دهد و یا ایده ای نو را پیش چشم اهل نظر بگذارد. در روزگار ما دانشمندان برجسته، ایده نو و یا پاسخ خود به یک پرسش را در مقاله ای کوتاه در مجله های علمی پژوهشی به داوری اهل نظر می سپارند. وقتی مقاله خوانده شد مورد ارزیابی قرار گرفت، با محک نقد و نظر صیقل یافت آن را به صورت کتاب درمی آورند. پیش فرض این مسئله این است که در محافل علمی مقاله های علمی پژوهشی خوانده می شوند و باز خورد علمی می یابند.

۵. مجله های علمی پژوهشی بسیاری در قلمرو مطالعات دینی منتشر می شوند. مراکز علمی پژوهشی و آموزشی تلاش جانانه ای به خرج می دهند برای تاسیس مجله های بیشتری حتما به این دلیل که نتایج پژوهش و آموزه های خود را عرضه کنند. علی القاعده مجله های علمی پژوهشی باید پیشانی مراکز علمی باشند. اگر نیستند پس باید عیبی در کار باشد. وزارت علوم و دانشگاه های کشور علی القاعده باید بر اساس نقشه راهی به اینهمه مجله علمی پژوهشی اجازه انتشار داده باشند. شخص آشنا با محافل علمی در ایران وقتی فهرست طولانی مجلات علمی پژوهشی در قلمرو علوم انسانی را می بیند حسی دوگانه به او دست می دهد. از سویی خوشنود است زیرا انتشار اینهمه مجله معتبر نشان می دهد که نرخ رشد مقالات علمی پژوهشی ما بسیار خوب است و این یعنی از طرح مسایل کلی عبور کرده دست به طرح مسایل خاص و ایده های نو و تازه زده ایم. از سوی دیگر نمی داند به این پرسش ها چگونه پاسخ دهد که آیا انتشار اینهمه مجله ضروری است؟ آیا اسیب شناسی دقیقی به لحاظ محتوا صورت گرفته است؟ آیا این نقشه راه به درستی پیاده شده است یا نه؟ شاید برای پاسخ به همین پرسشهای دشوار است که وزارت علوم سامانه ای برای ارزیابی کمی و کیفی مجلات علمی پژوهشی طراحی کرده است. ارزیابی پیوسته مجلات به ویژه از نظر محتوا می تواند پیشگیری کند از اینکه مجله های علمی پژوهشی صرفاً به ارتقا نامه ها تبدیل شوند. معیارهای سخت گیرانه و قواعد کم و بیش دشوار انتشار مقاله به همین منظور پیش بینی شده اند.

مقصود اینکه ما در مرحله ای هستیم که باید به دقت دست به آسیب شناسی مجله های علمی پژوهشی بزنیم. به رغم همه تلاش هایی که وزارت علوم برای دفع و رفع اسیب ها می کند اما همچنان پرسش هایی از منظر آسیب شناسی درباره مجلات وجود دارد. برآستی مقالات منتشر شده در مجله های علمی پژوهشی به چه میزان مطالعه می شوند؟ مجله های علمی پژوهشی به چه میزان در طرح و حل مسایل علمی جامعه هدف خود نقش داشته اند؟ این پرسش ها و پرسشهای دیگری از این دست باید با روشی واقع بینانه سنجیده شوند و پاسخ یابند. مراکزهای علم سنجی باید نتیجه ارزیابی خود را در اختیار مجله ها قرار دهند و هر مجله ای باید این فرصت را پس از چند سال انتشار داشته باشد که کار خود را مورد ارزیابی قرار دهد.

مجله علمی پژوهشی فلسفه دین صحنه انتشار دیدگاه های نو و خلاقانه دانشمندان و متفکران قلمرو فلسفه دین است. بدینوسیله آمادگی خود را برای انعکاس و انتشار مقالات استادان، پژوهشگران و متفکران اعلان می دارد. زین پس مجله فلسفه دین تلاش خواهد کرد مانند گذشته به قلمرو موضوعی و سهم و نقش اش در پیشبرد بحث های قلمرو فلسفه دین توجه کند. بر خود لازم میدانم از تلاش های سردبیران محترم قبلی و همه اعضاء هیات تحریریه قدر دانی کنم.